

بازتاب سیمای ازدها در آب



علی موسی‌زاده
داستان نویسن

قرار بود کمی بعد تر و دیرتر سراغ این موضوع بیایم، اما یکپهو تصمیم بر این شده که با فاصله ای کوتاه از مطرح کردنش برایتان درباره اش بنویسم. همین هفته پیش بود که گفتم گاهی خودتان را وادار کنید که از روی داستان ها و رمان های مختلف رونویسی کنید؛ اما شرح و توضیح این مقوله موکول شد به فرصتی دیگر.

اینکه بدانند کاری که انجام می دهید قرار است چه تأثیری بر روی شما بگذارد شاید کمک کننده آگاهی شما در موازات و هم زمان با ناخودآگاه و غریزه تان پیش برود. این نوع از مشق کردن در ظاهر از رویکردی ساده می آید، اینکه تو به دست استادی متبحر خیره شوی و شیوه اش را در اجرای چیزی بازجراکنی، ولی در اصل این یک نوع میانبرزدن است از خامی یک مبتدی به اوج تجربه یک حرفه ای.

چنین چیزی در نقاشی و آموزش نقاشی بسیار مرسوم است، اینکه سالک راه نقاشی کسی یا شیوه ای را الگوی کارش قرار دهد و دیوانه وار شروع کند به کپی کردن از روی آن؛ آن قدر این کار را انجام دهد تا حس کند بند بند استخوان های دستش جان مطلب را به خود کشیده اند. برای مثال، سهراب سپهری و ون گوگ در دوره ای تصمیم گرفتند از روی نقاشی های مرکب ی ژاپنی کپی کنند. اینکه چرا نقاشی ژاپنی شاید جوابش در این نهفته باشد که در نقاشی ژاپنی، به ویژه «سومی» (sumi) که در آن کار با مرکب و یک قلم موی ساده انجام می شود، نقاش سعی می کند اجزای مختلف نقاشی را با یک حرکت سریع دست اجرا کند.



نموده ای از سومی

شاید برای همین است که شمشیرزن افسانه ای تاریخ ژاپن، میاموتو موساشی، علاقه زیادی به کار

با مرکب و قلم مو داشته است، در مبارزه به وسیله کاتانا (نوعی شمشیر ژاپنی) هم به حرکاتی سریع و ظریف و دقیق نیاز است، و احتمالاً موساشی بزرگ به این نتیجه رسیده بوده است که چنین مهارتی را می توان در نقاشی ژاپنی تقویت کرد. به همین مناسبت، توصیه می کنم کتاب «پنج حلقه» از میاموتو موساشی را بخوانید. سر رشته را گم نکنیم! حرکات دست یک استاد بزرگ (یک

نقاش، یک نوازنده، یک نویسنده یا حتی یک شمشیرزن)، وقتی به اجرای هنرش می نشیند، در واقع نتیجه سالیان دور و دراز رنج و تمرین های طاقت فرسای طولانی است. تمام رگ و پی وجود این آدم با هنرش ممزوج شده است. حالاً کمی مبتدی برای به کمال رساندن هنر خام دستانه خودش می تواند مسیری را از صفر شروع کند یا راه میانبری برای خودش پیدا کند.

یکی از این میانبرها که اسمش را بهتر است بگذاریم «تمرین خالص» همین کپی کردن از روی دست استاد بزرگ است، یعنی که تو با تمام خامی و ناشی گری ات سعی کنی حرکتی را تقلید کنی که عقبه ای سخت دارد، برای مثال، اگر نقاشی بخواهد یک سلف برتره از ادگار دگا را کپی کند، ناچار است ذغال را روی سطح مقوا دقیقاً همان طوری بگذارد که یکی-دو قرن پیش نقاش بزرگ فرانسوی با چرخش ماهرانه مچ دستش روی کاغذ گذاشته است. این را باید بارها و بارها تکرار کرد. آن قدر که آدم مطمئن شود که انگشتانش و بندبند وجودش روی مداری حرکت می کنند که با تن و جان یک نایغه طراحی و علامت گذاری شده است.

برای همین، تویی که می خواهی سالک راه نویسندگی و داستان نویسی باشی یکی از بهترین تمرین هایی که می توانی روزانه یا هفته ای برای خودت تعیین کنی همین رونویسی کردن از روی شاهکارهای بزرگ ادبیات است؛ باید آن قدر تکرار کنی که مطمئن شوی از چشمه ای خالص و زلال در حال نوشیدنی. و این را نباید فراموش کنی که رونویسی کردن فقط برای تمرین است و برای خشت گذاری های اولیه و به کمال رساندن سبک شخصی خودت، و آن را نباید با ایستگاهی برای ای توقف طولانی اشتباه گیری، چون کسی خیلی قبل تر از تو این شیوه را در طوری به اوج رسانده که مرجعی برای الگو برداری و روشنی راه باشد. در ادبیات خودمان، احمد محمود قدم های آغازینش را در سایه آثار صادق چوبک برمی داشت، اما بعداً خودش هیولایی مهیب شد با سایه ای بزرگ و گسترده.

با احترام عمیق به میاموتو موساشی و رقیب ترسناکش ساساکی کوجیروکه، فراتر از شمشیر و رزم، افسانه ای ماندگار و منادار به جا گذاشتند.

زین قنبر

علیرضا حیدری / مدرس ویراستاری

- **ناوبراسته** ✖
- **اودارای مدرک کارشناسی است.**
- **سخنان ترامپ نشان داد که اودارای اختلالات رفتاری است.**
- **ویراسته** ✔
- **اومدرک کارشناسی دارد.**
- **سخنان ترامپ نشان داد که او اختلالات رفتاری دارد.**
- **نکته**

ساده نویسی هم در رساندن پیام مؤثر است، هم جمله را روان تر می کند.

#زین-قنبرپارسی

شهر

SHAHRAANNEWS.IR
۳شنبه
۲۹ خرداد ۱۴۰۳
۱۱ تیرماه ۱۴۴۵
شماره ۲۲۲۲

۱۰

فرهنگ و ادبیات

اگر شاعر را به مثابه انسان دارای مسئولیت های انسانی، تاریخی و اجتماعی بدانیم، او دارای یک مسئولیت مهم دیگر در حیطه هنر خود نیز هست، و آن هم دستی و مشارکت در توسعه و

مدخل

تکامل هنر روزگار است. در دوران وقوع حوادث بزرگ و فراگیر اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، بخش اعظم هنرمدان، تحت تأثیر محیط پیرامون و به منظور جذب و هدایت مخاطب ـ و چه بسا مخاطب عام ـ توجه به

خراسان، خاستگاه شعر مقاومت

کوتاه درباره کتاب «شعر مقاومت خراسان» که به تازگی چاپ شده است



«اسد» (۱۳۶۵)، اثرعلی وزیریان

با این تفصیل، این کتاب را باید کارنامه جامع شعر مقاومت خراسان بنامیم که در آن هم شاعران بزرگ خراسان معرفی شده اند، هم از جلسات شعری و انجمن ادبی خراسان در گذر زمان گزارش هایی آمده است و هم از افرادی نام برده شده که کمابیش در شعر مقاومت خراسان اثرگذار بوده اند. این کتاب که حول محور ادبیات پایداری می گردد، هفت بخش دارد که در آن ها، به فراخور، از «ادبیات عصر انقلاب»، «ادبیات جنگ» و «ادبیات پایداری جهانی» سخن رفته است. «شعر کودک و دفاع مقدس» و «تأثیر ادبیات مقاومت خراسان بر شعر مقاومت افغانستان» نیز بخش هایی ویژه را به خود اختصاص داده اند. گزیده ای از اشعار شاعران دیگری چون طحیبه ثابت، منیره درنومیان، عباسعلی سپاهی یونسی، سید حسین سیدی، جواد شیخ الاسلامی، زهرا گریزیا، سید محسن مصطفی زاده و سلمان نظافت یزدی هم جاشنی بخش این مجموعه است. «شعر مقاومت خراسان» را انتشارات به نشر در ۱۸۰ صفحه و با مبلغ ۱۰۰ هزار تومان چاپ و منتشر کرده است.



موجود، به سراغ ۲۶ تن از شعرای خراسانی نام آشنای انقلاب و دفاع مقدس هم رفته و با آن ها در این باره گفت و گو کرده است، از این جمله اند محمود اکرامی فر، بهزاد پورحاجیان، قاسم سرویها، محمد کاظم کاظمی، سید ابوطالب مظفری، هادی منوری، مجید نظافت یزدی، محمد حسین جعفریان، غلام عباس ساعی و مصطفی محدثی خراسانی. حیدری، خود، در مقدمه اثر خویش ضرورت تألیف چنین مجموعه ای را به خوبی شرح داده است: «شعر مقاومت خراسان، با جلسات شعری که در بعضی شهرهای این استان، به خصوص مشهد، برگزار می شد، پیوندی ناگسستنی دارد؛ بسیاری از شاعران مؤثر مقاومت خراسان از این جلسات برخاستند. [...] از این میان، شاعرانی تأثیرگذار بر ادبیات دفاع مقدس کشور برخاستند، به گونه ای که هر کدام سندی زنده از آن روزگاران هستند. [...] مشهود است که هر کدام از این شاعران، درگیرودار زندگی روزمره، آهسته آهسته خاطرات آن دوران را به فراموشی می سپارند [...] بیم نابودی این تاریخ زنده مرا بر آن داشت که در حد توان خود در ثبت آن بکوشم؛ شاید نسل های بعد به این یادداشت ها نیاز داشته باشند.»

از روزگار گردهمایی اخوان ها و قهرمان ها سال ها گذشته، اما شعر و ادبیات خراسان و مشهد، با وجود بالاوپایین ها و فقدان هایی که به چشم دیده، همچنان پابرجا مانده و با ظهور و بروز شاعران مستعد و شعرهای استوار دیگری بیشتر و بیشتر بالیده و ـ ضمناً ـ جنبه ای دیگر از ظرفیت ادبی این خطه را به رخ کشیده است، مثلاً در همین صفحه، بارها از قول شاعران مختلف نقل کرده ایم و نشان داده ایم که شعر خراسان و شاعران خراسانی در حوزه شعر پایداری و مقاومت هم جزو سردمداران اند، شاعرانی که در این زمینه آثار متعددی را به چاپ رسانده اند که در روزهای اخیر شاهد یک نمونه تازه از آن ها بوده ایم؛ «شعر مقاومت خراسان»، اثری از سعید حیدری که خود یکی از پیشکسوتان این عرصه به شمار می آید، کتاب حاضر البته فرد محوز نیست و ماحصل کار مجموعه ای از شاعران را به نمایش می گذارد؛ در واقع، نویسنده این اثر تلاش کرده است تا با بهره گیری از ظرفیت اغلب شاعران سرشناس این حوزه، یک مجموعه جامع و کامل را در زمینه شعر مقاومت خراسان عرضه کند، مجموعه ای که مخاطب قرار نیست در آن فقط با اسامی شاعران و شعر آن ها آشنا شود؛ در واقع، عمده این کتاب را خاطره های حماسی و ادبی شاعران تشکیل می دهد. مؤلف «شعر مقاومت خراسان»، علاوه بر استناد به پژوهش های

محبی

درباره شعر خراسان، سابقه و غنای آن، سخن بسیار است. شعر این دیار، شاعران

آن و انجمن هایی که در این جغرافیا برگزار می شده اند قدمتی بسیار دارند. آمد و شد اهل ذوق به این محافل ـ که همچنان ادامه دارد ـ مهر تأییدی است بر این داستان. چندان بوده که در روزگار کنونی نیز، تا صحبت از شعر و شاعری در خراسان می شود، نام انجمنی چون انجمن ادبی فرخ ـ در جایگاه یکی از محافل مهم ادبی خراسان، و منحصرأ مشهد، در قرن چهاردهم خورشیدی ـ به میان می آید. انجمنی که جمعه به جمعه بزرگان شعر و ادبیات را دور هم جمع می کرد و نقش احیاگر سبک خراسانی و معرفی کننده شاعران قهرای خراسان ـ و ابدان اخوان ثالث ـ قهرمان، پروین گنابادی و سبزواری، و شفیع کدکنی را بازی می کرد.

بخشدار هویزه^۱ را گفتند / ترک کن شهر خویشتن را زود //خیل صدامیان کافرکش / آمده در کنار شهر فرود // جز تو و چند پاسدار جوان / کس ندارد در این دیار وجود // راه های امید شد بسته / باب های نجات شد مسدود // گر بمانی اسیر خواهی شد /

ور کنی جنگ می شوی نابود // زن و فرزند خویش را برگیر / رخت خود می فکن به آن سوی رود // غیر تسلیم یا فرار تو را / چاره دیگری نخواهد بود // همچو اسپند بر جهنم ز جا / مرد تا این حدیث تلخ شنود // گفت من ترک آشیانه خویش / نکتم گر کنم ز جان بدروود // گر سپارم وطن به دست عدو / مادر از



میراث

خراسان

من رضا نخواهد بود / مگذارند همسر و پسر / کنم از آشیان خود بدروود // دخترم با دو دست کوچک خویش / رهگذار مرا کند مسدود // تا که خون در رگ است و جان در تن / سر نیارم به پیش خصم فرود // می ستیزم به ناخن و دندان / نهراسم ز تیر و آتش و دود // یا کنم خصم را برون ز وطن / یا شوم کشته در ره مقصود // روز دیگر ز بخشدار نماند / جز تنی سرد و نعش خون آلود //

آن طرف تر دو کودک و یک زن / خفته در خون خویشتن خشنود // گفت حب الوطن من الایمان / پیک مسعود کرد کار و دود // آفرین باد بر چنان ایمان / آفرین باد بر چنین موجود

۱۱۱] این شعر پیشکشی است به شهید حامد خزفی، بخشدار هویزه، که در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۹ به شهادت رسید.

علی باقرزاده (بقا) (۱۳۰۸-۱۳۹۵)

فلسطین، فصلی جدادر ادبیات مقاومت

آثار ادبی برگرفته از آن خط فکری بر ساحت مبارزاتی و میدانی مقاومت فلسطین بسیار مشهود است؛ نمونه این را در سلطه چپ سیاسی بر آثار ادبی دهه ۴۰ تا اواسط دهه ۸۰ قرن گذشته میلادی و تأثیر این متون بر جریان های مبارز فلسطینی و بر نحوه مذاکرات با طرف اسرائیلی فلسطین را می توان نمونه ساختار شکنانه ادبیات مقاومت در شکل عام آن تعریف کرد، چنان که اینجا ـ به عکس نمونه های مشابه آن در دیگر ملل ـ آنچه به عنوان یادبودها و نمادها بر روی آن تمرکز می شود شکست فلسطینی ها در برابر دشمن است، و نه قهرمانی ها و پیروزی های مبارزاتی، همچنین، موضوع فلسطین ـ به واسطه خیانت ها و جهالت ها ـ مملواست از نقد سیاسی و آسیب شناسی فرهنگی و اجتماعی. لذا، بیراه نیست، اگر موضوع فلسطین را فصلی جدا در نوع ادبی مقاومت در نظر بگیریم.

مورد توجه بوده و البته غموز بسیار یافته است اندیشه جهانی فلسطین است که خود ابعاد سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و ادبی مختلفی دارد؛ بر همین اساس، ادبیات مقاومت، به ویژه ادبیات مقاومت فلسطین، از لایه های در ساحت عموم، و حتی پژوهش های مرتبط با موضوع فلسطین، کمتر به آن پرداخته اند. در اینجا، و به عنوان مقدمه، چند نکته از دلایل اهمیت پرداختن به موضوع فلسطین را به صورت مختصر بیان می کنم؛

۱- اگرچه ادبیات مقاومت عرب صرفاً منحصر در موضوع فلسطین نیست، پربسامدترین موضوع ادبیات سیاسی عرب فلسطین است. ۲- موضوع فلسطین، به واسطه بُعد تاریخی آن، خود، شاهد سیر تطور جریان های فکری معاصر است که تأثیر



مهدی زادهکارزاران و ادبیات عرب

سابقه ای به درازای تاریخ ادبیات دارد و بنا به تعریف محققان این حوزه، حتی در بسیاری از قصاید قدیم که مضمونی غیرجنگی دارند نیز می توان رد پای ادبیات مقاومت را یافت. ۲- قرار دادن ادبیات مقاومت زیر عنوان ادبیات سیاسی ناشی از تعریف آن در ادبیات دوره معاصر است که اغلب متأثر از تغییر و تحولات سیاسی، و مناسبات ایدئولوژیک میان کشورها شکل گرفته است. ۳- ادبیات مقاومت، یکی از گونه های معدود ادبی است که رویکردها و مکاتب ادبی مختلف و گاهی متناقض را پوشش می دهد و ذیل آن هرادیبی ـ اگرچه برای نیل به یک هدف واحد ـ از زاویه دید خود تجربه ادبی خویش را تبیین و تشریح می کند.

● ادبیات مقاومت فلسطین

در این بین، یکی از موضوع هایی که همیشه

نسبت بین ادبیات سیاسی و ادبیات مقاومت ادبیات سیاسی هر ملت عموماً متأثر از دغدغه های حاکم بر روح آن جامعه است؛ در همین راستا، این گونه از ادبیات، اغلب، در راستای نقد نظام حاکم و آسیب های موجود در ساختار اجتماعی و حاکمیتی آن تلاش می کند. اما شاخه ای از ادبیات سیاسی، بنا به موقعیت، نه تنها تلاشی برای بیان کاستی های موجود در جامعه نمی کند، بلکه با نگاهی ـ حتی سراسر اغراق ـ مردمان یک سرزمین را به دفاع از کبان خویش و فدا کردن جان و مال خود ترغیب و تشویق می نماید؛ این نوع فرعی از ادبیات سیاسی «ادبیات مقاومت» نام دارد.

● ملاحظاتی درباب ادبیات مقاومت

در این بین، ذکر چند نکته در باب ادبیات مقاومت ضرورت دارد؛ ۱- ادبیات مقاومت